با افزایش دما و ماندگاری گرمای هوا

ضرورت تداوم مدیریت مصرف برق دوچندان شد

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران با اشاره به افزایش دمای هوا در کشور اعلام کرد: براساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده، در صورت تداوم روند مصرف، تقاضای مصرف برق در هفته جاری از حدنصاب سال جاری که تاکنون ۷۴۸۰۱ بوده است عبور خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، اردشیر مذکوری، مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران در جلسه مدیریت اوج بار که روز شنبه ۲۷ تیرماه با حضور معاون برق و انرژی وزارت نیرو، مدیرعامل شرکت توانیر و جمعی از مدیران ارشد صنعت برق برگزار شد، اظهار کرد: براساس داده‌های سازمان هواشناسی، متوسط دمای هوای کشور در هفته گذشته نسبت به هفته پیش از آن، حدود ۱.۵ درجه سانتی گراد افزایش یافته است.

وی افزود: همچنین میانگین دمای کشور در مقایسه با میانگین ۱۰ ساله و هفته مشابه سال گذشته نیز حدود نیم درجه سانتی گراد بیشتر بوده و پیش‌بینی‌ها حاکی از تداوم ماندگاری هوای گرم در دست کم دو هفته آینده است.

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران با بیان اینکه افزایش دمای هوا تأثیر مستقیمی بر رشد مصرف برق دارد، گفت: بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در صورت تداوم شرایط جوی و روند مصرف، تقاضای مصرف برق در روز یکشنبه ۲۸ تیرماه از ۷۴۸۰۱ مگاوات که حد نصاب سال جاری بوده است عبور خواهد کرد. مذکوری با تأکید بر اهمیت نقش مشترکان در حفظ پایداری شبکه سراسری برق اظهار کرد: صنعت برق در هفته گذشته، هم‌زمان با تأمین پایدار برق مناطق جنوبی کشور در پی تعرض غیرقانونی و غیرانسانی دشمن امریکایی و مدیریت شرایط ویژه شبکه با اتکا به همراهی ارزشمند مشترکان، توانست از یکی از حساس‌ترین مقاطع تأمین برق کشور با موفقیت عبور کند. وی افزود: تجربه این روزها نشان داد مشارکت آگاهانه و مسوولانه مردم در مدیریت مصرف، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ پایداری شبکه سراسری برق دارد و بی‌تردید تداوم این همکاری در هفته جاری، هم‌زمان با افزایش دما و ماندگاری گرمای هوا، مهم‌ترین پشتوانه صنعت برق برای تأمین برق پایدار در سراسر کشور خواهد بود. وی از مشترکان برق خواست با رعایت راهکارهای ساده اما موثر مدیریت مصرف، از جمله تنظیم دمای وسایل سرمایشی روی ۲۵ درجه سانتی گراد، استفاده از دور کند کولرهای آبی، پرهیز از استفاده هم‌زمان از تجهیزات برقی پرمصرف در ساعات اوج مصرف و انتقال مصارف غیرضروری به ساعات کم‌باری، صنعت برق را در تأمین برق پایدار برای همه هموطنان، خصوصا هموطنان جنوب کشور یاری کنند.

یورواستات: آلمان پس از ۸ سال از ایران نفت وارد کرد

یورواستات از واردات ۳۲ هزار تن نفت ایران توسط آلمان برای اولین بار از سال ۲۰۱۸ خبر داد.

به گزارش تسنیم، مرکز آمار اروپا از واردات یک محموله بزرگ ۳۲ هزار تنی نفت خام یا فرآورده نفتی ایران توسط آلمان در چهارمین ماه سال جاری میلادی خبر داد.

براساس این گزارش، آلمان در ماه آوریل ۲۰۲۶ و در میانه درگیری‌ها در تنگه هرمز، ۳۲،۷۹۷ هزار تن نفت خام یا فرآورده نفتی از ایران وارد کرده است. این محموله بزرگ‌ترین محموله وارداتی نفت اتحادیه اروپا از ایران از زمان خروج امریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ است. واردات این محموله نفتی از ایران توسط آلمان پس از ۸ سال، بار دیگر نشان داد که اقتصادهای غربی، با وجود محدودیت‌ها و تحریم‌ها به ظرفیت‌های انرژی ایران برای تامین نیازهای خود نیازمند هستند. به گزارش اقتصاد معاصر، یورو استات پیش‌تر از واردات یک محموله ۶۹ هزار تنی نفت ایران توسط آلمان در مارس ۲۰۲۳ خبر داده بود که البته دولت آلمان آن را تکذیب کرد و مدعی شد این محموله از مکزیک وارد شده که به اشتباه به نام ایران درج شده است. علاوه بر آلمان، لهستان نیز یکی دیگر از اعضای اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۲۶ از ایران واردات نفت داشته البته حجم نفت وارداتی لهستان از ایران در ۴ ماهه ۲۰۲۶ غیرقابل توجه و بالغ بر ۰،۸۰۳ هزار تن بوده است.

توقف فعالیت یک شرکت امریکایی در اقلیم کردستان عراق

یک شرکت امریکایی فعال در حوزه نفت و انرژی در اقلیم کردستان به‌دلیل افزایش تنش‌ها فعالیت‌های خود را تعلیق کرد.

به گزارش تسنیم، شرکت انرژی امریکایی «اچ‌کی‌ان انرژی» (HKN Energy)، دیروز، شنبه، طی اعلامیه‌ای خبر از توقف کامل تمامی عملیات‌های خود در منطقه کردستان عراق خبر داد، این تصمیم در پی تشدید روزافزون تنش‌های سیاسی و نظامی میان امریکا و جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده است. گفتنی است این اقدام علی‌رغم توافق اخیر این شرکت با دولت مرکزی عراق برای توسعه یکی از میادین نفتی واقع در شمال این کشور صورت می‌گیرد، همچنین این شرکت در حوزه استخراج نفت و گاز مشغول به فعالیت است و به عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی در بخش نفت و گاز عراق شناخته می‌شود. مدیر اجرایی این شرکت از اعلام جزییات بیشتر درباره مدت زمان این تعلیق عملیاتی خودداری کرد و همچنین روشن نساخت که آیا این تعطیلی تاکنون تأثیری بر روند تولید نفت این شرکت داشته است یا خیر. منابع آگاه نیز معتقدند که این اقدام جنبه پیشگیرانه دارد و در چارچوب مدیریت ریسک‌های ناشی از بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی منطقه ارزیابی می‌شود. این در حالی است که از زمان جنگ علیه ایران تولید نفت عراق حدود ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است و همچنین این کشور در ماه‌های گذشته به‌دنبال راهی برای دور زدن تنگه هرمز بود اما حال با شرایط جدید منطقه تولید و صادرات نفت این کشور به شرایط قبل از جنگ بازنمی‌گردد و شرکت‌های خارجی بیشتری مجبور به توقف فعالیت‌های خود هستند.

«تعادل» از طلای سیاه در گردنه بحران گزارش می‌دهد

نفت با سایه هرمز و جنگ، به سوی ۱۰۰ دلار می‌تازد

بازار جهانی نفت این روزها بیش از هر زمان دیگری زیر سایه سیاست، امنیت و ژئوپلیتیک حرکت می‌کند. هر خبر از تشدید تنش در خاورمیانه، هر نشانه از اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل انرژی و هر تغییر در سطح ذخایر راهبردی امریکا، می‌تواند مسیر قیمت‌ها را به‌سرعت دگرگون کند. در چنین فضایی، رشد اخیر بهای نفت خام تنها یک نوسان معمولی نیست، بلکه هشداری جدی از ورود بازار به مرحله‌ای تازه از التهاب است؛ مرحله‌ای که در آن، عدد ۱۰۰ دلار برای هر بشکه دیگر دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

آنچه این روند را برجسته‌تر کرده، هم‌زمانی چند عامل حساس است. از یک‌سو، تشدید درگیری‌ها و نگرانی از گسترش دامنه بحران، فضای معامله‌گران را به سمت خریدهای احتیاطی سوق داده است. از سوی دیگر، احتمال اختلال در تنگه هرمز -شریان حیاتی انتقال نفت جهان- به اندازه‌ای جدی شده که بازار را نسبت به آینده عرضه بدبین کرده است. در کنار این دو عامل، کاهش ذخایر نفت امریکا نیز به عنوان ضربه‌گیر اصلی بازار، توان سابق خود را از دست داده و همین موضوع، شدت واکنش قیمت‌ها را افزایش داده است.

تنگه هرمز تنها یک گذرگاه جغرافیایی نیست؛ نقطه‌ای استراتژیک در قلب بازار انرژی جهان است. هرگونه تهدید علیه این مسیر، حتی در حد هشدار یا ایجاد اختلال موقت، می‌تواند زنجیره تامین نفت را با نگرانی روبه‌رو کند. بازار نفت به محض احساس خطر، واکنش خود را نشان می‌دهد؛ زیرا در این بازار، «انتظار کمبود» به اندازه کمبود واقعی اهمیت دارد. همین حساسیت سبب شده است که کوچک‌ترین خبر درباره کاهش عبور کشتی‌ها یا تشدید تهدیدهای امنیتی، به رشد سریع قیمت‌ها منجر شود.

در سوی دیگر ماجرا، ذخایر احتیاطی امریکا نیز دیگر آن نقش سابق را ایفا نمی‌کنند. در دوره‌های گذشته، چنین ذخایری می‌توانستند بخشی از شوک‌های ناگهانی را جذب کنند و از جهش شدید قیمت جلوگیری کنند. اما کاهش پی‌درپی این ذخایر، قدرت مداخله بازار را محدود کرده است. وقتی سطح موجودی پایین می‌آید، بازار در برابر هر خبر منفی حساس‌تر می‌شود و حتی یک کاهش جزیی در عرضه، می‌تواند موجی از نگرانی در معاملات جهانی ایجاد کند. نفت در حال حاضر نه‌تنها از منظر بنیادی، بلکه از نظر تکنیکی نیز در مسیر صعودی قرار گرفته است. عبور قیمت از سطوح مقاومتی مهم و تثبیت بالای میانگین‌های متحرک، نشان می‌دهد که بازار تنها به‌دلیل خبرهای سیاسی بالا نرفته، بلکه از نظر ساختار قیمتی هم توان ادامه رشد را دارد. همین هم‌زمانی عوامل بنیادی و نموداری، احتمال حرکت نفت به سمت مرز ۱۰۰ دلار را تقویت می‌کند. البته رسیدن به این سطح به معنای تثبیت دائمی در آن نیست، اما نشان می‌دهد بازار فعلا تمایل بیشتری به صعود دارد تا اصلاح. در کنار این تحولات، باید به اثرات ثانویه رشد قیمت نفت نیز توجه کرد. افزایش بهای انرژی به‌سرعت خود را در هزینه حمل‌ونقل، قیمت کالاها، تورم تولید و فشار بر مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد. اقتصادهای واردکننده انرژی بیش از سایر کشورها در معرض آسیب قرار می‌گیرند و حتی در اقتصادهای بزرگ نیز چنین جهشی می‌تواند به کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های صنعتی منجر شود. به همین دلیل، نفت همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در اقتصاد جهانی باقی مانده است. از منظر تحلیلی، بازار اکنون در وضعیتی قرار دارد که بیشتر از آنکه به آرامش فکر کند، در حال قیمت‌گذاری ریسک است. اگر تنش‌ها ادامه یابد و مسیرهای انتقال نفت با تهدید بیشتری روبه‌رو شوند، حرکت به سمت ۱۰۰ دلار می‌تواند سریع‌تر از انتظار رخ دهد. در مقابل، هر نشانه‌ای از کاهش بحران یا بازگشت نسبی ثبات، ممکن است بخشی از رشد اخیر را تعدیل کند. اما فعلا وزن اخبار منفی سنگین‌تر است و همین امر به نفع روند افزایشی قیمت‌ها عمل می‌کند. در مجموع، نفت بار دیگر نشان داده که تنها یک کالای خام نیست، بلکه شاخصی زنده از وضعیت امنیت، سیاست و اقتصاد جهانی است. امروز، بازار بیش از هر چیز به میزان تاب‌آوری مسیرهای عرضه و سطح تنش‌های منطقه‌ای چشم دوخته است. تا زمانی که این دو متغیر در وضعیت پرریسک باقی بمانند، صحبت از نفت ۱۰۰ دلاری دیگر یک اغراق رسانه‌ای نخواهد بود، بلکه سناریویی محتمل در برابر چشم بازار جهانی خواهد بود.

هرمز دوباره در مرکز بحران

وقفه کوتاه پس از تفاهم اسلام‌آباد دوام نیاورد و با نقض تعهد امریکا، هرمز دوباره به کانون بحران بازگشت. به گزارش تسنیم، بیش از ۱۴۰ روز از تجاوز امریکا علیه ایران می‌گذرد و حالا با نقض دوباره تفاهم از سوی واشنگتن، تنگه هرمز بار دیگر به نقطه جوش تحولات منطقه و جهان تبدیل شده است؛ گذرگاهی که هر بار دچار اختلال می‌شود، فقط معادلات سیاسی و امنیتی را به‌هم نمی‌زند، بلکه مستقیماً به اقتصاد جهانی، بازار انرژی و معیشت مردم در کشورهای مختلف ضربه می‌زند.

جهان پیش از این هم در جریان جنگ ۴۰ روزه، هزینه سنگین بسته بودن این آبراه راهبردی را پرداخت کرده بود، در آن دوره، بازارهای جهانی با التهاب روبه‌رو شدند، بهای انرژی بالا رفت، هزینه حمل‌ونقل و بیمه دریایی افزایش یافت و اثر این بحران، خیلی زود در قیمت سوخت و کالا در کشورهای مختلف آشکار شد. پس از آن، در پی تفاهم اسلام‌آباد، یک وقفه کوتاه در این روند ایجاد شد. ایران در چارچوب همان تفاهم، تنگه هرمز را باز کرد تا مسیر کاهش تنش و بازگشت نسبی ثبات به بازارها فراهم شود، همین اقدام، فضای روانی بازار انرژی را تا حدی آرام کرد و این امید را به‌وجود آورد که شاید طرف امریکایی این بار به تعهدات خود پایبند بماند و منطقه از یک بحران فرسایشی فاصله بگیرد، اما این آرامش، دیری نپایید، امریکا بار دیگر نشان داد که در بزنگاه‌های مهم، منطق فشار و بدعهدی را بر هر تفاهمی ترجیح می‌دهد. با نقض تعهد از سوی واشنگتن، هرمز دوباره به‌وضعیت بحرانی بازگشت و همان زنجیره فشار اقتصادی که جهان در جنگ ۴۰ روزه تجربه کرده بود، بار دیگر فعال شد. در جریان جنگ ۴۰ روزه، دنیا به‌روشنی دید که ناامنی در تنگه هرمز فقط یک خبر سیاسی یا نظامی نیست، این ناامنی بلافاصله خود را در بازارهای جهانی نشان داد؛ از افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های انرژی گرفته تا رشد هزینه جابه‌جایی کالا و تشدید نگرانی درباره تأمین پایدار انرژی. همان تجربه کافی بود تا روشن شود هرمز فقط یک مسیر آبی ساده نیست، این تنگه یکی از اصلی‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان است و هرگونه اختلال در آن، از شرق آسیا تا اروپا و از بازارهای مالی تا زندگی روزمره مردم، اثر خود را به‌جا می‌گذارد، به همین دلیل، هر بار که تردد در هرمز محدود می‌شود، جهان وارد یک چرخه تازه از نگرانی، تورم و بی‌ثباتی می‌شود.

در واقع، اتفاقی که امروز دوباره در حال رخ‌دادن است، تکرار همان واقعیت تلخی است که پیش‌تر نیز آزموده شده بود، دنیا هنوز از تبعات بحران قبلی فاصله نگرفته بود که با عهدشکنی دوباره امریکا، بار دیگر خود را در معرض یک شوک تازه دید. بازگشایی مقطعی هرمز پس از تفاهم اسلام‌آباد، فقط یک اقدام فنی یا تاکتیکی نبود، این تصمیم، حامل یک پیام روشن بود، این که؛ ایران با وجود تجاوز و فشار، همچنان در چارچوب منطق سیاسی و با محاسبه رفتار می‌کند و اگر طرف مقابل به تعهدات خود پایبند بماند، امکان کنترل بحران و کاهش تنش وجود دارد. همین وقفه کوتاه، فرصت مهمی برای امریکا بود تا نشان دهد به دنبال خروج از بحران است، نه گسترش آن، اما واشنگتن نه‌تنها از این فرصت استفاده نکرد، بلکه با نقض تفاهم، عملاً همان مسیر همیشگی خود را تکرار کرد؛ مسیری که بر پایه فشار، تحمیل و به‌هم‌زدن توافق‌ها شکل گرفته است، نتیجه این انتخاب هم روشن بود، به‌محض آنکه امریکا از تعهدات خود عقب نشست، فضای نسبی آرامش از بین رفت و هرمز بار دیگر به کانون تنش بازگشت، به این ترتیب، باز هم این اقتصاد جهانی بود که باید هزینه یک تصمیم سیاسی در واشنگتن را بپردازد. شاید مهم‌ترین اثر این بحران، آن جاست که دود آن پیش از همه به چشم خود امریکایی‌ها می‌رود. هر افزایش تنش در هرمز، بلافاصله بازار انرژی را تحت فشار می‌گذارد و این فشار خیلی زود در قیمت بنزین، حمل‌ونقل، کالاهای مصرفی و سطح عمومی قیمت‌ها در امریکا خود را نشان می‌دهد. برای مردم امریکا، این جنگ زمانی معنا پیدا می‌کند که هزینه پر کردن باک خودرو بالا برود، قیمت کالاهای روزمره افزایش پیدا کند و تورم بار دیگر فشار تازه‌ای بر خانوارها وارد کند. جامعه‌ای که پیش از این نیز با گرانی، بدهی، هزینه‌های درمان و بحران معیشت دست‌به‌گریبان بوده است، طبعاً توان تحمل یک موج تازه از فشار اقتصادی را ندارد. البته این وضعیت فقط به امریکا محدود نمی‌شود، اروپا که همچنان درگیر ناامنی انرژی است، اقتصادهای آسیایی که وابستگی بالایی به مسیر خلیج‌فارس دارند و بسیاری از کشورهای در حال توسعه که با کوچک‌ترین جهش قیمت انرژی دچار فشار تورمی می‌شوند، همگی در معرض تبعات این بحران قرار می‌گیرند، به‌بیان ساده، بسته شدن هرمز فقط یک تحول دریایی نیست؛ این عرضه، می‌تواند موجی از نگرانی در معاملات جهانی ایجاد کند. نفت در حال حاضر نه‌تنها از منظر بنیادی، بلکه از نظر تکنیکی نیز در مسیر صعودی قرار گرفته است. عبور قیمت از سطوح مقاومتی مهم و تثبیت بالای میانگین‌های متحرک، نشان می‌دهد که بازار تنها به‌دلیل خبرهای سیاسی بالا نرفته، بلکه از نظر ساختار قیمتی هم توان ادامه رشد را دارد. همین هم‌زمانی عوامل بنیادی و نموداری، احتمال حرکت نفت به سمت مرز ۱۰۰ دلار را تقویت می‌کند. البته رسیدن به این سطح به معنای تثبیت دائمی در آن نیست، اما نشان می‌دهد بازار فعلا تمایل بیشتری به صعود دارد تا اصلاح. در کنار این تحولات، باید به اثرات ثانویه رشد قیمت نفت نیز توجه کرد. افزایش بهای انرژی به‌سرعت خود را در هزینه حمل‌ونقل، قیمت کالاها، تورم تولید و فشار بر مصرف‌کنندگان نشان می‌دهد. اقتصادهای واردکننده انرژی بیش از سایر کشورها در معرض آسیب قرار می‌گیرند و حتی در اقتصادهای بزرگ نیز چنین جهشی می‌تواند به کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های صنعتی منجر شود. به همین دلیل، نفت همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده در اقتصاد جهانی باقی مانده است. از منظر تحلیلی، بازار اکنون در وضعیتی قرار دارد که بیشتر از آنکه به آرامش فکر کند، در حال قیمت‌گذاری ریسک است. اگر تنش‌ها ادامه یابد و مسیرهای انتقال نفت با تهدید بیشتری روبه‌رو شوند، حرکت به سمت ۱۰۰ دلار می‌تواند سریع‌تر از انتظار رخ دهد. در مقابل، هر نشانه‌ای از کاهش بحران یا بازگشت نسبی ثبات، ممکن است بخشی از رشد اخیر را تعدیل کند. اما فعلا وزن اخبار منفی سنگین‌تر است و همین امر به نفع روند افزایشی قیمت‌ها عمل می‌کند. در مجموع، نفت بار دیگر نشان داده که تنها یک کالای خام نیست، بلکه شاخصی زنده از وضعیت امنیت، سیاست و اقتصاد جهانی است. امروز، بازار بیش از هر چیز به میزان تاب‌آوری مسیرهای عرضه و سطح تنش‌های منطقه‌ای چشم دوخته است. تا زمانی که این دو متغیر در وضعیت پرریسک باقی بمانند، صحبت از نفت ۱۰۰ دلاری دیگر یک اغراق رسانه‌ای نخواهد بود، بلکه سناریویی محتمل در برابر چشم بازار جهانی خواهد بود.

وزیر نیرو:

اولویت تامین انرژی با استان‌های درگیر جنگ است

وزیر نیرو با تاکید بر اجرای «قرار همدلی» ملی برای تقسیم عادلانه برق، گفت: در شرایط کنونی اولویت تامین انرژی با استان‌هایی است که زیرساخت‌هایشان مورد تهاجم قرار گرفته و نیازمندترند. به گزارش ایرنا، عباس علی‌آبادی روز یکشنبه در سفر به هرمزگان و در جمع خبرنگاران افزود: از مردم درخواست داریم با صرفه‌جویی حتی در خاموش کردن یک لامپ، یاری‌گر شبکه برق در این روزهای سخت باشند. وی با اشاره به شرایط خاص شبکه برق کشور، اظهار کرد: ما در یک قرار همدلی هستیم و بر این اساس، اولویت تامین برق با استان‌هایی است که در حال حاضر نیازمندترند، به خصوص مناطقی که درگیر حملات و تهاجم هستند. وزیر نیرو با تاکید بر اینکه این اولویت‌بندی به شمال یا جنوب کشور محدود نمی‌شود، تصریح کرد: هر منطقه‌ای که مورد تهاجم قرار گیرد و نیازمند شود، در اولویت خواهد بود و ما هر چه داریم، در کنار هم تقسیم می‌کنیم و قرار نیست در این مسیر تنها باشیم. علی‌آبادی گفت: بار دیگر تاکید می‌کنم که در این شرایط سخت همه باید کمک کنند، زیرا مردم عزیز ما در جنوب، شمال و هر نقطه که مورد تهاجم قرار می‌گیرد، نیازمند یاری هستند. وی خاطرنشان کرد: خاموش کردن هر چراغ یا هر کولر، حتی برای یک دقیقه، می‌تواند در کمک‌رسانی به این مناطق موثر باشد. وی با اشاره به جنگ ترکیبی دشمن، بیان کرد: ما به‌دنبال جنگ نیستیم، اما حاضر نیستیم هیچ تجاوزی را بپذیریم، ایستادگی کرده‌ایم و امیدواریم هیچ استانی مورد تهاجم قرار نگیرد و با این حال، هر استانی که دچار حادثه شود و نیازمند شود، مطمئن باشد که بقیه ملت ایران پای کار خواهند آمد. وزیر نیرو ادامه داد: در حال حاضر استان هرمزگان و استان‌های جنوبی که به‌دلایل مختلف از جمله آسیب به نیروگاه‌ها، خطوط و پست‌ها درگیر مشکلات ناشی از حملات دشمن شده‌اند، در اولویت قرار دارند و ما در حال تعمیر و مدیریت این آسیب‌ها هستیم تا بتوانیم هر چه سریع‌تر شرایط را به حالت عادی برگردانیم. علی‌آبادی با تاکید بر نقش کلیدی صرفه‌جویی، خاطرنشان کرد: همکاری مردم در مصرف بهینه، بزرگ‌ترین پشتیبان شبکه برق در این روزهای پرتنش است و از همه آحاد ملت می‌خواهیم با مدیریت مصرف، صنعت برق کشور را در عبور از این شرایط یاری کنند.

عرضه برق بدون محدودیت به صنایع بیش از دو برابر شد

معاون برق و انرژی وزارت نیرو با اعلام افزایش ۱۱ درصدی برق تحویلی به صنایع انرژی‌بر از ابتدای خردادماه امسال گفت: با وجود آسیب‌دیدگی و خروج حدود ۴۷۰۰ مگاوات از ظرفیت نیروگاه‌های صنایع، اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف نسبت به سال گذشته یک ماه دیرتر آغاز شد و وزارت نیرو علاوه بر توسعه ظرفیت‌های جدید، اختصاص ۴۰۰ مگاوات برق مازاد به صنایع را نیز در دستور کار قرار داده است.

به گزارش ایلنا از وزارت نیرو، مصطفی رجبی مشهدی، معاون برق و انرژی وزارت نیرو، با تشریح اقدامات این وزارتخانه برای تأمین پایدار برق صنایع در سال جاری اظهار کرد: با وجود آسیب‌دیدگی و خروج از مدار حدود ۴۷۰۰ مگاوات از نیروگاه‌های صنایع، برنامه مدیریت مصرف بخش صنعت در سال جاری نسبت به سال گذشته یک ماه دیرتر آغاز شد. وی افزود: از ابتدای خردادماه سال جاری تاکنون، میزان برق تحویلی به صنایع انرژی‌بر در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۱ درصد افزایش یافته است؛ آماری که نشان می‌دهد وزارت نیرو، تأمین برق بخش تولید و صنعت را با وجود محدودیت‌های موجود، در اولویت قرار داده است.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو با اشاره به تکالیف قانونی صنایع انرژی‌بر تصریح کرد: براساس ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، صنایع انرژی‌بر مکلف بودند تا پایان سال ۱۴۰۴ نسبت به احداث ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه اقدام کنند؛ با این حال، تاکنون حدود ۳۱۰۰ مگاوات از این ظرفیت وارد مدار شده است.

رجبی مشهدی تأکید کرد: برای رفع کامل محدودیت‌های برقی صنایع، ضروری است ظرفیت باقی‌مانده نیروگاهی با قید فوریت احداث و عملیاتی شود. تحقق این تکلیف قانونی می‌تواند ضمن افزایش پایداری شبکه، وابستگی صنایع بزرگ به برق شبکه سراسری را در دوره‌های اوج مصرف به میزان قابل توجهی کاهش دهد. وی از افزایش چشمگیر ظرفیت عرضه برق غیرقابل قطع خبر داد و گفت: در سال جاری، با توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و بهره‌برداری از نیروگاه‌های حرارتی جدید، ظرفیت عرضه برق غیرقابل قطع در تابلوهای برق سبز، برق آزاد و گواهی صرفه‌جویی انرژی نسبت به سال گذشته بیش از صددرصد افزایش یافته است.

به گفته معاون برق و انرژی وزارت نیرو، توسعه این ظرفیت‌ها نقش موثری در افزایش تأمین برق صنایع و کاهش محدودیت واحدهای تولیدی داشته و امکان برنامه‌ریزی مطمئن‌تری را برای ادامه فعالیت صنایع فراهم کرده است.

رجبی مشهدی همچنین به هماهنگی‌های صورت‌گرفته میان وزارتخانه‌های نیرو و صمت اشاره کرد و افزود: به‌منظور هماهنگی بیشتر و اولویت‌بندی تأمین برق صنایع، در تاریخ اول تیرماه ۱۴۰۵ تفاهم‌نامه‌ای در سطح معاونان وزیر میان وزارت نیرو و وزارت صمت به امضا رسید. وی ادامه داد: همچنین در نشست مشترک ۲۷ تیر ماه ۱۴۰۵ که با حضور وزرا و معاونان مرتبط در وزارت صمت برگزار شد، تصمیمات مهمی برای ساماندهی مصرف برق صنایع و افزایش تأمین انرژی بخش تولید اتخاذ شد.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو گفت: براساس توافق انجام‌شده در این نشست، مقرر شد وزارت صمت برای ابطال پروانه بهره‌برداری صنایع دارای دستگاه‌های استخراج غیرمجاز رمزارز اقدام کند. همچنین این وزارتخانه همکاری لازم را برای تسویه بدهی صنایع بدهکار به شرکت توانیر انجام خواهد داد. رجبی مشهدی در پایان خاطرنشان کرد: در مقابل، وزارت نیرو نیز متعهد شده است با افزایش ظرفیت تولید نیروگاه‌های جدید، ۴۰۰ مگاوات برق مازاد بر سقف مصرف تعیین‌شده به صنایع اختصاص دهد؛ اقدامی که می‌تواند به افزایش تولید و کاهش محدودیت‌های بخش صنعت کمک کند.

موج گرما اروپا را به بحران انرژی کشاند

موج گرمای شدید که از اوایل تابستان اروپا را فراگرفته، با گرم‌تر کردن و کاهش سطح آب رودخانه‌های اصلی، زنجیره تامین، حمل‌ونقل کالا و تولید برق را با اختلال روبه‌رو کرده و به بحرانی جدید برای بخش انرژی این قاره تبدیل شده است.

به گزارش ایسنا، در آلمان و فرانسه، دمای هوا از ژوئن به رکوردهای بی‌سابقه‌ای رسیده و تداوم گرما موجب کاهش شدید بارندگی شده است. این شرایط محدودیت‌هایی را برای کشتیرانی در رودخانه‌های این کشورها ایجاد کرده، ظرفیت حمل بار شناورها را کاهش داده و هزینه‌های حمل‌ونقل را بالا برده است. این تحولات هم‌زمان با بحران ناشی از تجاوز امریکا به ایران رخ داده؛ بحرانی که به افزایش هزینه‌های انرژی و تشدید تورم در اروپا دامن زده و فشار بیشتری بر اقتصاد این قاره وارد کرده است. در فرانسه، موج گرما حتی بر تولید برق نیز تاثیر گذاشته است. در روزهای اخیر، تولید برق هسته‌ای این کشور به‌دلیل افزایش دمای آب رودخانه‌ها و محدود شدن امکان استفاده از آب برای خنک‌سازی راکتورها، ۶.۴ گیگاوات کاهش یافت که معادل حدود ۱۴ درصد از تقاضای روزانه برق فرانسه است. این نخستین‌بار نیست که فرانسه به‌دلیل گرمای هوا ناچار به کاهش تولید نیروگاه‌های هسته‌ای می‌شود. با این حال، این کشور با وجود افت تولید، همچنان به صادرات برق به کشورهای همسایه ادامه داده است. کارشناسان معتقدند با طولانی‌تر و شدیدتر شدن موج‌های گرما، وقوع چنین اختلالاتی نیز افزایش خواهد یافت. یکی دیگر از پیامدهای این شرایط، اختلال حمل‌ونقل در رود «راین»، مهم‌ترین مسیر کشتیرانی داخلی اروپاست که نقشی کلیدی در انتقال زغال‌سنگ، سوخت و سایر کالاها به آلمان و کشورهای اروپای مرکزی دارد.

کاهش سطح آب این رودخانه باعث شده بسیاری از شناورها نتوانند با ظرفیت کامل حرکت کنند و برای عبور از بخش‌های کم‌عمق، با بار کمتری تردد داشته باشند که در نتیجه، هزینه حمل سوخت، زغال‌سنگ و سایر کالاها افزایش یافته و موجب تاخیر در زنجیره تامین شده است. پیش از این نیز اروپا در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ با بحران کاهش سطح آب رود «راین» مواجه شده بود. بحران سال ۲۰۲۲ هم‌زمان با آغاز بحران انرژی پس از درگیری روسیه و اوکراین رخ داد.

سال جاری نیز کاهش بارندگی و تداوم موج گرما هم‌زمان با تجاوز امریکا به ایران، فشار بیشتری بر تامین انرژی، هزینه‌های حمل‌ونقل، فعالیت صنایع و نرخ تورم اروپا وارد کرده است. اکنون سطح آب در منطقه «کائوب»، در بخش میانی رود «راین» واسط جولای، به پایین‌ترین میزان خود در چند دهه اخیر رسیده و موجب شده است تنها طی یک هفته، هزینه حمل دیزل از بندر «روتردام» به جنوب آلمان، بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد. کارشناسان هشدار دادند، ادامه این شرایط می‌تواند روند بهبود اقتصاد آلمان را که به تازگی از شوک اولیه بحران ناشی از تجاوز امریکا به ایران خارج شده، با مخاطره مواجه کند. براساس برآورد موسسه اقتصاد جهانی «کیل» (Kiel)، کاهش سطح آب رود «راین» در سال ۲۰۱۸، باعث افت ۱.۵ درصدی تولید صنعتی آلمان و کاهش ۰.۴ درصدی تولید ناخالص داخلی این کشور شد.

اویل پرایس گزارش کرد: همچنین بررسی اختصاصی موسسه پژوهشی «پروگنوس» نشان می‌دهد که موج گرمای اواخر ژوئن سال جاری، بیش از ۶ میلیارد یورو (حدود ۶.۸ میلیارد دلار) به اقتصاد آلمان خسارت وارد کرده است.

این موسسه پیش‌بینی کرد که در سال‌های آینده، آلمان هر تابستان با سه تا چهار موج گرمای شدید با دمای بالاتر از ۳۵ درجه سانتی گراد روبه‌رو می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد هر روز با دمای بیش از ۳۵ درجه، حدود یک میلیارد یورو به اقتصاد این کشور خسارت وارد می‌شود و زیان سالانه ناشی از گرمای شدید می‌تواند از مرز ۲۰ میلیارد یورو عبور کند.

ادامه از صفحه اول

چهار «راه‌حل» بحران اقتصادی

■ مکانیسم بهبود وضعیت معیشتی مردم از طریق اشتغالزایی چگونه محقق می‌شود؟ چرا ایجاد شغل را مهم‌ترین راه مقابله با فقر می‌دانید؟

چون اگر دولت چنین شرایطی را برای حضور بخش خصوصی فراهم نکند، سرمایه‌گذاری و امکان خلق شغل فراهم نخواهد شد. اشتغالزایی، مهم‌ترین روش مقابله با فقر است. راه‌حل‌ها کاملا شناخته شده‌اند؛ دولت باید سرمایه‌گذاری کند و نباید فقط چشمش به فروش منابع طبیعی باشد. کشورهایی که نفت نمی‌فروشند هم سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این طریق اشتغال ایجاد می‌کنند. در ایران هم نظام مالیاتی باید از صاحبان درآمد و ثروت مالیات بگیرد تا منابع سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف فراهم شود.

■ نقش بانک مرکزی و سازمان برنامه در این میان چیست؟

همکاری سازمان برنامه و بانک مرکزی برای تدوین یک برنامه اشتغالزا و تأمین اعتبارات لازم از سوی بانک مرکزی و هدایت آنها به سمت تولید، به صورت نظام‌مند و سازمان یافته، از جمله اقداماتی است که دولت می‌تواند و اساسا باید انجام بدهد. این کار منابع بزرگ را برای سرمایه‌گذاری بسیج می‌کند و یک راه‌حل واقعی و عملی برای ایجاد شغل در جامعه به دست می‌دهد.

■ نگفتید این سیاست‌ها چه تأثیری بر جامعه و بازار کار خواهد داشت؟

وقتی شغل ایجاد شود، درآمدهای مالیاتی هم افزایش پیدا می‌کند و این درآمدهای مالیاتی می‌تواند بخش قابل توجهی از حمایت‌ها را به تولیدکننده‌ها برگرداند. مثلا به شکل یارانه دستمزد یا یارانه تحقیق و توسعه. این کار زمینه‌هایی را برای جذب اشتغال و نوآوری در کشور فراهم می‌کند و مانع خروج سرمایه‌های انسانی از کشور می‌شود. اگر فرصت مناسب ایجاد شود، نیروی متخصص در داخل می‌ماند و در همین جا کار می‌کند. دولت باید برنامه‌های عملیاتی برای ایجاد یک چنین ساز و کاری تدارک ببیند و اجرایی کند. فرصت‌های بسیار بزرگی برای این منظور وجود دارد، اما هنوز نشانه‌ای روشن از وجود یک برنامه و یک انضباط مالی در درون نظام سیاسی و حاکمیت به طور کلی به چشم نمی‌خورد. البته طی دو سال اخیر کشور در گیر جنگ بوده اما باید این را هکار برای حمایت از اقشار محروم تدارک دیده شود. یکی از اضلاع مهم این حوزه بنیادها و نهادهای خارج از سیطره دولت هستند. نقش این